گره گرانی

غفارزاده، سام

آن زمان که مجلس شورای اسلامی وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی را به‏ کمیسیون اقتصادی فرا خواند تا درباره علل گرانی و رفع آن توضیح دهند،دیگر بحث سیاسی بودن‏ موضوع رنگ باخت و گزارش تحلیلی مرکز پژوهش‏های مجلس در خصوص میزان تورم که‏ وجود نظرات مختلف را ناشی باز تفاوت در نحوه‏ محاسبه و تعریف دانسته بود.این بحث را که در کشور گرانی و تورم نداریم کم رنگ‏تر کرد.و بار دیگر کارشناسان مستقل اقتصادی را به اظهار نظر واداشت.این کارشناسان چون گذشته از افزایش‏ هزینه‏های دولت و به تبع آن رشد حجم نقدینگی‏ انتقاد کردند و خواستار انضباطی مالی دولت شدند.

با وجود بحث‏هایی که در مورد گرانی و تورم در مجلس،دولت،رسانه‏ها و...مطرح است‏ کارشناسان اقتصادی جدای از این بحث‏ها به این‏ نکته اشاره دارند که نمی‏توان این موضوع را نادیده‏ گرفت که ایران دارای هشتمین نرخ بالای تورم در جهان است.

آنچه از سوی کارشناسان اقتصادی نامناسب‏ توصیف می‏شود وضعیت ثبات پولی و رشد نقدینگی است.رشدی که به واسطه اوضاع مناسب‏ درآمدهای نفتی،علامت‏ها و سیگنال‏های‏ گمراه‏کننده‏ای می‏دهد.

گره گرانی

سام غفارزاده‏

پایه پولی و افزایش تورم

رشد پایه پولی وابسته به رشد سه عامل عمده، خالص دارایی‏های خارجی،مطالبات بانک مرکزی‏ از دولت و مطالبات بانک مرکزی از بانک‏ها است. آمار بانک مرکزی نشان می‏دهد در 30 سال گذشته‏ هرگاه درآمدهای ارزی در وضعیت نامناسب قرار داشته‏اند دولت برای کسری بودجه خود به سراغ‏ بانک مرکزی رفته است و سبب افزایش مطالبات‏ بانک مرکزی از دولت شده است.این امر هم سبب‏ رشد پایه پولی شده و نهایتا میزان تورم را بالا برده‏ است.اما در سال‏های اخیر که دولت وضعیت‏ درآمدی خوبی به علت افزایش جهانی قیمت نفت‏ دارد علت اصلی رشد پایه پولی،افزایش خالص‏ دارایی‏های خارجی بانک مرکزی بوده است.به ویژه‏ آنکه دولت با مدیریت نرخ ارز از افزایش آن‏ جلوگیری می‏کند و با تزریق ارز به بازار این عامل را دچار رشد مضاعف می‏کند.به نحوی که رشد پایه‏ پولی در پایان سال 84 نسبت به مدت مشابه قبل خود 46 درصد افزایش پیدا کرده است.

آنچه از سوی کارشناسان‏ اقتصادی نامناسب‏ توصیف می‏شود وضعیت‏ ثبات پولی و رشد نقدینگی است

آنچه که در این میان سبب برخی سوء برداشت‏ها می‏شود.تاخیر فازی است که اثر تورمی این رشد را نمایان می‏کند.چون میزان رشد نقدینگی در این‏ مدت 34 درصد بوده است.زیرا دولت سال قبل‏ کسری بودجه‏اش را با متمم بودجه و استفاده از ذخایر حساب ارزی در اواخر سال جبران نمود و ضریب فزاینده پولی در همان مقطع سبب رشد حجم‏ نقدینگی نشد و این مهم،به سال بعد یعنی امسال‏ منتقل شد.از سوی دیگر رابطه یک به یک رشد حجم نقدینگی و افزایش نرخ تورم نیز دچار یک گسست‏ زمانی در کشور ما شده است و رشد شتابان و نگران کننده نقدینگی کاملا به افزایش نرخ تورم منجر نشده است.گسست زمانی که باعث شده برخی‏ تصور کنند رشد نقدینگی الزاما به تورم تبدیل‏ نمی‏شود!اکبر کمیجانی معاون اقتصادی بانک‏ مرکزی در این خصوص این گونه توضیح می‏دهد: «برخی کمبود نقدینگی را یکی از عوامل بازدارنده‏ رشد تولید می‏پندارند و معتقدند که دولت‏ می‏بایست اعتبارات بیشتری را برای افزایش تولید در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد،زیرا معتقدند رشد نقدینگی منجر به افزایش سطح قیمت‏ها نخواهد شد و افزایش تولید،افزایش تقاضا را جوابگو می‏باشد.

برخی دیگر از تحلیلگران معتقدند عامل عمده‏ای‏ که منجر به تورم می‏شود تغییرات نرخ ارز است و لذا تثبیت نرخ ارز را یکی از مهم‏ترین سیاست‏های‏ ضد تورمی معرفی می‏کنند.از سوی دیگر عده‏ای‏ معتقدند رشد نقدینگی،به ویژه اگر ناشی از سیاست‏های غیرمنضبط مالی دولت باشد،اثر چندانی بر تولید ندارد و تنها موجب افزایش سطح‏ قیمت‏ها می‏گردد.گروه اخیر افزایش نرخ ارز را معلول فشارهای تورمی ناشی از عدم توازن بودجه‏ دولت می‏دانند.

در این میان برخی مقامات تصمیم‏ساز با اعتقاد به‏ موفقیت‏آمیز بودن سیاست تثبیت قیمت همراه با افزایش نقدینگی به اجرای این سیاست دست‏ یازیده‏اندو مقامات پولی در این میان نسبت به اثرات‏ منفی رشد نقدینگی هشدار داده‏اند.در اولین نگاه‏ شاید تجربه کشور حاکی از مقبولیت دیدگاه دسته‏ اول باشد چرا که علی رغم رشد نقدینگی،تورم‏ حداقل براساس انتظارات تغییر نکرده است.اما در صورتی که نسبت به موضوع دقیق‏تر شویم علل‏ گسست تورم و نقدینگی به شرح زیر قابل تبیین‏ است.

بررسی اختلاف رشد نقدینگی حاصل از رابطه‏ مقداری پول(با فرض ثابت سرعت گردش پول)و رشد قیمت‏ها نشان می‏دهد که این اختلاف فقط مربوط به دوران برنامه سوم توسعه نبوده و در دیگر دوران‏های اقتصاد کشور نیز مشاهده می‏شود.»

به گفته معاون اقتصادی بانک مرکزی«شاخص‏ قیمت مصرف‏کننده( CPI )به دلیل انکه در برگیرنده‏ تمامی کالاها و خدمات مصرف ممکن در سطح‏ اقتصاد نبوده و تنها بخشی از کالاها و خدمات‏ (حدود 310 قلم)را در بر می‏گیرد.به خوبی نمی‏تواند در 30 سال گذشته هرگاه‏ درآمدهای ارزی در وضعیت نامناسب قرار داشته‏اند دولت برای‏ کسری بودجه خود به سراغ بانک مرکزی‏ رفته است

آثار افزایش نقدینگی را بر روی قیمت کالاها و خدمات نشان دهد.در حالی که شاخص ضمنی‏ تعدیل تولید ناخالص داخلی به دلیل آنکه برآمده از ارزش افزوده تمام کالا و خدمات می‏باشد بهتر می‏تواند آثار قیمتی نقدینگی را بیان کند.در عمل‏ نیز ملاحظه شده با در نظر گرفتن این شاخص‏ گسستی میان تورم و نقدینگی وجود ندارد.»

برخی تحلیلگران معتقدند عامل عمده‏ای که منجر به‏ تورم می‏شود تغییرات‏ نرخ ارز است و لذا تثبیت‏ نرخ ارز را یکی از مهم‏ترین سیاست‏های‏ ضد تورمی معرفی می‏کنند

شاخص خرده فروشی

شاخص CPI یا شاخص خرده فروشی که از سوی‏ بانک برآورده می‏شود.به عقیده برخی کارشناسان‏ این شاخص گویای تورم واقعی در جامعه ما نیست. اول به این دلیل که این شاخص قیمت کالای‏ غیرمصرفی را شامل نمی‏شود.در حالی که کالاهای‏ غیرمصرفی مهمی را نظیر مسکن در سبد هزینه خانوار وجود دارد که در CPI منعکس نمی‏شود.به همین‏ دلیل قیاس رشد قیمت مسکن در شهرهای بزرگ یا نرخ تورم در سال‏های اخیر نشان می‏دهد که تورم به‏ طور هماهنگ توزیع نشده و رشد قیمت مسکن در برخی سال‏ها به 2 برابر نرخ تورم هم رسیده است. در کشور ما هر گاه تورم مثل سال‏های اخیر در بخش‏ کالای مصرفی به طور مصنوعی کنترل شده،در جای دیگری مثل مسکن یا بازار ارز و طلا بروز نموده‏ است.به ویژه آنکه در یکی دو سال گذشته جدا از نقدینگی حاصل از افزایش هزینه‏های دولت،بازار بورس هم توان جذب نقدینگی موجود را نداشته و حجم نقدینگی شتاب بیشتری گرفته است.

نکته دیگری که در خصوص شاخص خرده فروش‏ مطرح است نوع محاسبه کالاهاست.در بسیاری‏ مواقع نرخ دولتی کالاها مورد محاسبه قرار می‏گیرد در حالی که آنچه برای مردم هزینه واقعی محسوب‏ می‏شود،نرخ آزاد کالاها در بازار است.و آخر اینکه‏ تعداد اقلام مورد محاسبه سبد بانک مرکزی به خوبی‏ تمام اقلام مصرفی خانوار را نمایندگی نمی‏کند.

اما یک واقعیت وجود دارد و آن افزایش کمتر قیمت‏ کالاهای مصرفی نسبت به میزان رشد حجم‏ نقدینگی است.نکته‏ای که علی رغم ظاهر خوشایندش می‏تواند نگران‏کننده باشد.درآمدهای‏ مناسب نفتی سبب شده که با واردات انواع اقلام‏ مصرفی و افزایش عرضه،از افزایش قیمت تا حدی‏ جلوگیری شود و در برخی اقلام نیز با یارانه‏های‏ سنگین از رشد فزاینده قیمت مصرف کاسته شود. بنابراین عمق و ابعاد مسئله تورم در بازار کالاهای‏ مصرفی هنوز نمایان نیست.گر چه این موضوع فقط خوشایند مصرف‏کنندگان است ولی تولیدکنندگان‏ به واسطه واردات 44 میلیارد دلاری،ثبات نرخ ارز و تورم سالانه قدرت رقابت خود را با بسیاری از کالاهای خارجی از دست داده‏اند.اما کارشناسان‏ از هم اکنون نگرانند و می‏گویند در صورت کاهش‏ قیمت نفت و پایین آمدن درآمد ارزی دولت نقدینگی‏ سرگردان در جامعه اثرات تورمی خود را نشان‏ می‏دهد.